

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

میرویس ودان محمودی

۲۰ اگست ۲۰۱۴

پورتال آزادگان، یا خنجر دشنه گونی در قلب دشمنان!

ششمین سالگرد فرخنده و خجسته پورتال «افغانستان آزاد-آزاد افغانستان»، را از ته دل به پیشگاه مردم و تمامی انقلابیون افغانستان، تهنیت و شادباش عرض داشته و آرزومندم که این دژ استوار مبارزاتی، بستر وحدت انقلابی نیروهای چپ انقلابی را هموار سازد.

در این آوانی که امپریالیسم جنایت گستر و اشغالگر امریکا و متحدین امپریالیستی و ارتجاعی اش، مشغول تخریب کشور و کشتن مردم ما می باشند، نقش فزیک نیروهای انقلابی در دفاع از آزادی ملی و در دفاع از مردم محسوس، مشهود و بارز نبوده و «طالبان»، این نمایندگان جهالت و تاریکی ها، به خاطر منافع سیاسی و مذهبی شان، عملاً علیه امپریالیست ها می جنگند. جای حسرت و تأسف فراوان است که نیروهای انقلابی، به جای دفاع از آزادی و دفاع از مردم و وطن و به راه اندازی جنگ توده ئی طولانی، هر کدام تک روانه و پخپل سر، روانند و عمل می کنند و با بیرون دادن چند تا اعلامیه و اطلاعیه بسنده و اکتفاء نموده و حتی بعد از گذشت چندین دهه مبارزات، در عمل و پراتیک، تا هنوز هم حاضر و آماده نشده اند و نیستند تا ایدئولوژی را که بدان اعتقاد دارند و باورمنداند، برای مردم شان معرفی دارند و سر سخنان از مارکسیسم لنینیسم اندیشه مائوتسه دون، به دفاع برخیزند، زیرا کمونیست ها عار می دانند که نظریات و اندیشه های شان را از مردم پنهان دارند.

در جنگ مقاومت ملی و میهنی ضد سوسیال امپریالیستی، انقلابیون کشور سر سخنان از آزادی ملی به دفاع برخاستند و به خاطر این امر مقدس، بیشترین خسارات و قربانی ها را در تاریخ معاصر کشور، متحمل گشتند. انقلابیون افغانستان، با تجربه ترین و انقلابی ترین انقلابیون جهان اند و اما متأسفانه این سرداران انقلابیون و سرداران آزادگان جهان، از فراز ها و نشیبها و اشتباهات گذشته تو گوئی اصلاً نیاموخته اند و تا به حال قادر بدان نگشته اند که در مقابل امپریالیسم غرب و متحدان منطقه ئی شان، متحد شوند و در یک صف واحد، برای آزادی ملی برزمند و حزب کمونیست واقعی را در میان دود و خاکستر و شعله های سرکش جنگ، تشکیل دهند. امروز عصر، عصر قهر و لجام گسیختگی عریان امپریالیسم وحشی است و امپریالیسم به خاطر کنترل جهان و دسترسی و کنترل منابع انرژی کشورهای دارنده انرژی، دریا هائی از خون خلق های جهان را جاری ساخته و کشورها را به خاک یکسان نموده است. بناءً مسؤولیت و دین تاریخی، انقلابی و ملی نیروهای انقلابی بود که به محض تجاوز امپریالیسم، می بایست علیه امپریالیسم، با امکانات در دست داشته شورش می کردند و فرصت نفس

کشیدن را از اشغالگران امپریالیست سلب می داشتند، همان طوری که علیه روسها و نوکران داخلی شان کردند. در حالت کنونی، شرایط انقلاب کردن در کشور آماده است. مردم ستم و ظلم استعمار و بهره کشی را با گوشت و پوست شان احساس و لمس نموده اند و ۹۶٪ مردم کشور در شرایط بغرنج و وضعیت رقتباری زیست دارند که از آنجمله، ۵۰٪ توده ها در زیر خط فقر و در محرومیت کامل زندگانی می کنند، بیشتر از ۱۵ میلیون افغان بیکار و بیشتر از یک میلیون معتاد می باشند، فقر و فحشاء به اوجش رسیده است و کشورهای مرتجع همسایه از قبیل ایران، پاکستان، ازبکستان، تاجکستان و ترکمنستان هر کدام، بیشتر از ۵۰ کیلو متری از قلمرو جغرافیائی کشور را اشغال داشته و پوسته های سرحدی اعمار داشته اند. امپریالیسم جنایت گستر هم در یکسال و اندی با نمایشات مضحکه به اصطلاح انتخابات، به عوامفریبی رذیلانه ای مشغول بوده و توانسته است تا ائتلاف غیر متجانسی را بین ناموس فروشان و خاینان ملی اعم از خلقی، پرچمی، خادی، جهادی (مستثنی از مجاهدان و مبارزان راه آزادی)، طالبان «میانه رو» و تکنوکرات های دزد و جاسوس غرب، ایجاد نماید و تحت عنوان «دولت وحدت ملی»، این بی ناموسترین و بی شرفترین زنازادگان تاریخ را بالای سرنوشت میهن و مردم تحمیل دارد تا منافع استعماری اش را توسط این حرامزادگان محفوظ نگهدارد. میهن در اشغال بیشتر از ۴۴ کشور امپریالیستی و ارتجاعی قرار دارد، بورژوازی کمپردور و بورژوازی خصوصی، شدیداً به استعمار کارگران و زحمتکشان دست زده و فاصله طبقاتی به حد اعظمی اش صعود نموده است و فقر و بیکاری شدید نیز دامنگیر مردم گشته و افغانستان عزیز در ماتم نشسته و سیاهپوش می باشد. در تحت حاکمیت نظام مستعمراتی وضعیت هیچ گاهی بهتر نمی گردد؛ زیرا افغانستان عزیز به ورطه و مغاک سقوط و در لبه پرتگاه تجزیه کشانیده شده است و بدترین دوران حیاتش را سپری و تجربه می کند؛ پس آنانی که واقعاً و قلباً به (م ل ا) اعتقاد راسخ دارند و آزادیخواه اند، بهانه ها را کنار بگذارند و مجدانه مساعی به خرچ داده و راه وحدت انقلابی را جست و جو نمایند تا این امر نیک، منجر به شورش و انقلاب گردد. امروز روز انقلاب کردن و به پاخاستن است و باید اسلحه به دست گرفت و جنگید و در غیر آن منتظر ظهور «مهدی موعود» باشند و دیگر لاف و پتاق انقلاب و انقلابی گری را نزنند.

امپریالیسم جهانی با به قدرت نگهداشتن و طنفروشان و مجرمان جنگی، همچنان کوشش دارد تا نسل چپ انقلابی را یا از طریق قهر و یا از طرق مختلف دیگر از سر راهش به دور کند تا در نبود چپ انقلابی افغانستان، بتوانند اهداف کلونیالیستی شان را برای تسخیر جهان بدون کوچکترین مقاومت، تطبیق و پیاده نمایند، بدان ملحوظ جاسوسان خلقی، پرچمی و خادی را که در کوره های (ک ج ب) گذاخته و آبدیده شده اند، خریده و به خدمت گرفته اند. در زمان جنگ مقاومت ملی ضد روسی، این تنها روسها نبودند که آرزوی نابودی چپ انقلابی را به سر می پرورانیدند بل امپریالیسم امریکا نیز در رقابت و حتی همکاری نزدیک با روسها و در تبنانی با ارتجاع اخوانی، بیشتر از ده هزار از اعضاء و رهروان (جنبش دمکراسی نوین افغانستان-شعله جاوید) و (جنبش انقلابی) ضد روسی را در داخل کشور و یا در پاکستان کشته اند. نابودی و تسلیمی سازمان های انقلابی همچو «بیکار و اخگر» به (خاد)، توسط خلقی کهنه کار و با تجربه بیشتر از چهل سال عضویت در «حزب دمکراتیک خلق»، «داکتر» غفور ثنا مشهور به «غف»، بچه بی ریش «داکتر کریم زرغون» «خلق»، همکاری مشترک فی مابین سوسیال امپریالیسم و امپریالیسم را به اثبات می رساند، «داکتر» غفور ثنا مشهور به «غف»، بچه بی ریش «داکتر کریم زرغون» «خلق»، بعد از ضربت زدن به آندو سازمان انقلابی، یکه راست توسط «سیا» به پاکستان آورده می شود و مدت ۱۴ سال تمام در «انجو» های امپریالیستی برای منافع امپریالیسم خدمت می کند و هم چنان «معاینه خانه» ای را نیز در پاکستان باز می کند و تحت نام معاینه خانه رفقای خلقی و خادی اش را ملاقات و از طریق آنان راپور

فعالیت های انقلابیون ، اسم ها و آدرس های آنان را به طور مرتب به (خاد) می فرستد. علیا مخدره «غفور ثنا» نیز تحت بهانه تدریس در مکتب مهاجرین، بزم عیاشی و میگساری خادیهستها را گرم نگهداشته بود. دو مهره (خاد) مربوط «سلطانعلی گشتمند»، «انجنیر» صادق علی ظفر و «انجنیر» جمعه خان مشهور به حسین جاسوس، نیز بعد ضربت وارد ساختن خایانه به (سازمان آزادیبخش مردم افغانستان-ساما)، توسط (خاد) به سلامت تا پشاور انتقال داده می شوند و هنوز عرق تن های شان خشکیده بود که دفعتاً به همکاری «آی اس آی»، «هسته انقلابی کمونیست ها» را با چند تن کوتاه فکر شهرت پسند و سنتریست، تشکیل می دهند که بعد از مدتی منجر به ایجاد «حزب کمونیست مائوئیست» می شود. «م ل ا» ها را عقیده بر این است که حزب کمونیست «م ل ا» در پروسه جنگ توده ئی و در میان آتش جنگ انقلابی، ایجاد می گردد، همانطوری که «حزب کمونیست چین» ایجاد شد و اما خلاف اندیشه دورانساز «م ل ا»، «حزب کمونیست مائوئیست افغانستان»، در آغوش و بستر «آی اس آی»، بدون فیر یک مرمی، آستن و بنیان گذاشته می شود. جاسوسان «حزب کمونیست مائوئیست» و بالاخص رهبر جاسوسش «انجنیر» جمعه خان، مشهور به «حسین جاسوس»، که فعلاً مسؤول «بازسازی» حوزه غرب کشور می باشد، در همکاری مشترک با ارتجاع اخوانی، «آی اس آی» و «داکتر» غفور ثنا، بهترین فرزندان انقلابی افغانستان و رهبران اسطوره ئی جنبش مقاومت ملی در پیشاپیش آنان، «پروفسور قیوم رهبر»، «داکتر فیض احمد»، «مینا فیض» و رفیق «سهراب سلطان» و..... را به جاودانگی سپرده اند و حالا بعد از گذشت چندین سال از جانباختن آن سرداران آزادگان و کمونیست های واقعی، نفرت عمیق این زالو صفتان جاسوس را در مقابل آنان می بینیم و می خوانیم که حد و مرزی ندارد.

«داکتر» غفور ثنا مشهور به «غف»، بچه بی ریش «داکتر کریم زرغون» خلقی، بعد از خدمات خصوصی و شایسته اش برای «شیخ آصف محسنی»، در «گلران» و ۱۴ سال خدمت در «انجو» های امپریالیستی، به «هالند»، انتقال داده می شود و حالا بر فراز غندی خیر در «هالند»، چهار زانو نشسته است و خودش را رهبر و مؤسس «جنبش پرولتری افغانستان» می خواند و پیام «بهار مائوئیسم» را در افغانستان می دهد و از «جنگ خلق» دهان به سخن می گشاید و نشخوار می دارد و به محض این که فردا از خواب پریشان بیدار می شود، سخنان دیروزش را به فراموشی سپرده و سر از نو از «انتلاف مائوئیست ها»، در همسایگی دوست دیرینه و هم حزبی اش، «اسدالله گشتمند» داد می زند و روزی دیگر از ساختن حزب «کمونیست مائوئیست، اندیشه صدر اکرم یاری»، دم می زند و در حالی که ارتباطات خیلی نزدیک و صمیمانه با «حزب کمونیست مائوئیست» و شخص «حسین» جاسوس دارد. گرز گرانی که توسط پورتال آزادگان بر فرقه فرود آمده، مغزش را متلاشی ساخته است، اگر به لجنپراگنی ها و لاطانات این علیل سبک مغز نظری افکنده شود، همه اش تکراری می باشد و رشته سخن از دستش رفته است. مثلاً شماره ۱۸-۱۷ عرعر نامه اش علیه «سازمان انقلابی» و «ساما-ادامه دهندگان» هیچ فرقی با هم ندارد و عین نوشته می باشد!! این همه تلاش ها، جان کندن ها، کاپی برداری و دزدی ها، بی ناموسی ها و ناموس فروشی ها و به حراج گذاشتن های خودش و فامیلش برای سوسیال امپریالیسم و (خاد) و امپریالیسم و «سیا»، تنها و تنها برای نابودی و بدنام سازی انقلابیون شعله ئی و جنبش انقلابی ضد روسی در بدل پول، مقام و شهرت می باشد که از طرف سوسیال امپریالیست ها و امپریالیست ها وظیفه دار بوده و حالا نیز وظیفه دارد.

حسین جاسوس، صادق ظفر، غفور ثنا و بچه بی ریش «پیروم قل»، تقلاء و کوشش زیاد دارند تا تاریخچه سرخ مبارزاتی (جریان دمکراسی نوین افغانستان-شعله جاوید) را وارونه جلوه دهند و تمام افتخارات و کارنامه های انقلابی اش را صرفاً مختص به «شهید اکرم یاری» دانسته و تبلیغ نمایند؛ به عبارت دیگر این دجالان فرومایه پا از

گلیم های شان دراز تر نموده اند و حالا به شخصیت انقلابی «داکتر عبدالرحمان محمودی»، گستاخانه می تازند؛ و «شهید اکرم یاری» را همانندی «نور محمد تره کی» القاب های متفاوتی می بخشند و از وی بتی ساخته و پرستش می کنند، در حالی که «شهید اکرم یاری»، یک کمونیست به معنی واقعی اش نبود، زیرا کمونیستان واقعی در عمل و پراتیک می رزمند و متأسفانه «شهید اکرم یاری»، عاری از این صفت کمونیستی بود. بچه بی ریشان «پیرم قل»، بچه بی ریش داکتر زرغون، حسین جاسوس و گل بچه «جاغوری»، مدعی هستند که «شهید اکرم یاری»، همه کاره (جریان دمکراسی نوین افغانستان-شعله جاوید) و جریده (شعله جاوید) بود و تحت نام های فلانی و بسمدانی می نوشت. انجنیر عثمان، واصف باختری، اعظم دادفر، داکتر رحیم محمودی، داکتر عبدالهادی محمودی، داکتر سیف الرحمان محمودی، داکتر عبدالله محمودی و چند تن اشخاص مشهور و با نام و نشان دیگر، در جریده (شعله جاوید)، مقالات شان را به دست نشر می سپردند و حالا معلوم نشد که «شهید اکرم یاری»، تحت کدام نامی می نوشت و چرا؟

مقایسه نمودن «شهید اکرم یاری»، با پروفیسر «عبدالرحمان محمودی» از هر نگاه چه سیاسی و چه علمی، یک خیانت و جنایت می باشد. «شهید اکرم یاری»، با وصف زندگانی عالی و زندگی در فامیل خان و فنودال و دربار طلایی، باز هم نتوانست در سطح جامعه من حیث یک شخصیت علمی و سیاسی نامور تبارز کند و بالعکس محمودی بزرگ با فقر و گرسنگی و رنج بزرگ شد و با عزم پولادینش از خود یک شخصیت علمی و انقلابی در جامعه تبارز داد و در قلب میلیون ها انسان افغان جا باز نمود.

این که بچه بی ریشان «پیرم قل»، گویا می خواهند ثابت بسازند که «شهید اکرم یاری»، با نام خودش نه بل با اسم دیگری می نوشت و در جهت اثبات ادعای شان، نوشته ای را من حیث شاهد به نشر می سپارند؛ ماتریالیسم دیالکتیک به حرف های ملانی، بدون سند و بدون شواهد تاریخی وقع نمی گذارد و خواستار اسناد تاریخی می باشد. به جز انجنیر عثمان و زنده یاد داکتر رحیم محمودی، متباقی نویسندگان جریده تابناک (شعله جاوید) در قید حیات می باشند. بچه بی ریشان «پیرم قل»، اسم یکی از آنان را گرفته و بگویند که «شهید یاری» تحت نام فلانی و یا بسمدانی می نوشت؟!

پس به این نتیجه منطقی می رسیم که، چپ انقلابی راستین افغانستان و رهبران متوفی، جانبخته و در قید حیات شان، از گزند زهر پراگنی های، افعی های مادینه ای از قماش حسین جاسوس، صادق ظفر، غفور ثنا و بچه بی ریشان «پیرم قل»، و باداران امپریالیستی شان در امان نمی باشند. تنها و تنها وحدت انقلابی چپ انقلابی و راستین افغانستان می تواند سر های، افعی های مادینه و ازدهای امپریالیسم را از تن های شان جدا سازد و در زیر انبار خس و خاشاک دفن نماید.

پورتال «افغانستان آزاد-آزاد افغانستان» که به پورتال آزادگان مشهور می باشد، تنها و تنها و بی هراس از مارکسیسم-لنینیسم- اندیشه مائوتسه دون به دفاع برخاسته است و بدون شک وشبهه نماینده واقعی پرولتاریای افغانستان بوده و سنگر کمونیستی است که از هیبتش دشمن می لرزد و می ترسد. کمونیست ها برای پنهان نمودن هیچ چیزی ندارند. کمونیست ها عار دارند که دروغ بگویند و خود شان را در لفافه های گوناگونی پنهان دارند و بیچانند. چپ انقلابی واقعی، اگر واقعاً خواهان وحدت انقلابی اند و می خواهند با مبارزات و جانفشانیهای شان، جامعه سوسیالیستی و گذار از آن به کمونیسم را بشارت بدهند، بدون دلهره و شک، صفوف شان را از طریق پورتال آزادگان متحد گردانند. چپ انقلابی واقعی افغانستان هیچ گونه کمبودی و یا کمی و کاستی به تناسب و قیاس با انقلابیون فرانسه، روسیه و چین نداشته بل نظر به قدرت اقتصادی و نظامی سوسیال امپریالیسم و امپریالیسم،

برتری های زیادی دارند. انقلابات تاریخی و تاریخساز فرانسه، روسیه و چین تغییرات اساسی و بنیادی در آن کشور ها رونما ساخت و از برکت همان انقلابات تاریخی بود که امروز این سه کشور گر چه از خط انقلاب خارج شده اند، از جمله کشور های قوی اقتصادی و نظامی جهان می باشند. چپ انقلابی واقعی افغانستان اگر شک و شبهه را کنار بگذارند و متحد شوند، می توانند تغییرات بنیادی در کشور رونما سازند و الگوی شوند برای دیگر کشور های دربند و اسیر.

در اخیر ششمین سالگرد میمون پورتال آزادگان را به مسئولین انقلابی و نویسندگان فرهیخته و نستوه آن مبارکباد عرض می دارم و از تمامی نیرو های انقلابی تمنا می کنم که متحد شوند.